

عَفَّتْ

ابوالفضل بغمایی

وليستعفف الذین لا یجدون نکاحاً؛^۱

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز کند.

مفهوم‌شناسی

عَفَّتْ در لغت به معنای پاک‌دامنی، خویشتن‌داری زن در رویارویی و معاشرت با نامحرم، حفظ آبرو، رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری و پارسایی آمده است.^۲ عَفَّتْ حالتی از حالت‌های نفس است که با وجود آن، شهوت نمی‌تواند بر نفس چیره شود.^۳ بنابراین، خودداری نفس از شهوات نفسانی و تمایلات غیرشایسته در هر شخص و در هر موضوع را، عَفَّتْ نامند.^۴ در علم اخلاق، عَفَّتْ، انقیاد (رام کردن) قوّه شهویّه، در برابر امر و نهی عقل، همچون ازدواج و خوردن در حدّ اعتدال عقلی و عرفی است.^۵

تفسیر آیه

این آیه بیانگر خودنگه‌داری و عَفَّتْ کسانی است که زمان ازدواجشان فرارسیده و نیاز دارند، ولی توانایی آن را ندارند. بر اساس مفاد آیه این‌گونه افراد برای آنکه آلوده به گناه نشوند باید عَفَّتْ ورزند و خود نگه‌دار باشند تا زمینه ازدواجشان فراهم شود.

۱. نور، ۳۳.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۵۰۴۲.

۳. راغب، مفردات، ص ۵۷۳.

۴. مصطفوی، التحقیق مصطفوی، ج ۸، ص ۱۸۰.

۵. نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۷.

پیام‌های آیه

۱. دست‌رسی نداشتن به همسر مجوز گناه نیست؛ صبر و عفت لازم است (ولیستعفف).
۲. اگر عفت و تقوا داشته باشیم، خداوند ما را بی‌نیاز می‌کند (ولیستعفف... یغنیهم الله).
۳. در حفظ عفت و پاک‌دامنی عمومی، هم جوانان باید خود را حفظ کنند (ولیستعفف) و هم حکومت باید اقدام کند (وأنکحوا الأیامی).
۴. هر کجا احساس خطر بیشتر شد، سفارش ویژه لازم است؛ چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند.^۱

آیات و عناوین مرتبط

- آثار عفت: اعتدال جنسی: (مؤمنون، ۵ و ۷)؛ بهره‌مندی از فضل خدا: (نور، ۳۳)؛ بی‌نیازی: (نور، ۳۳)؛ تنزیه: (نور، ۲۶)؛ جواز ازدواج: (مائده، ۵)؛ رستگاری: (مؤمنون، ۱ و ۵)؛ مغفرت: (نور، ۲۶).
- آثار بی‌عفتی: تجاوز: (مؤمنون، ۵ و ۷)؛ خیانت: (نور، ۲۶)؛ معاشرت با آلودگان: (نور، ۲۶).
- پاداش عفت: باغ فردوس: (مؤمنون، ۵ و ۱۱)؛ پاداش بزرگ: (احزاب، ۳۵)؛ تکریم: (معارج، ۲۲، ۲۹ و ۳۵)؛ رحمت الهی: (نور، ۳۳)؛ روزی کریمانه: (نور، ۲۶)؛ قدرت: (یوسف، ۵۱ و ۵۶).
- عوامل عفت: استعاذه به خدا: (مریم، ۱۷ - ۱۸)؛ استمداد از خدا: (یوسف، ۲۹ - ۳۰ و ۳۳)؛ ایمان به ربوبیت خدا: (یوسف، ۲۳ - ۲۴ و ۵۳)؛ تقوا: (مریم، ۱۸)؛ حجاب: (احزاب، ۵۳)؛ رحمت خدا: (یوسف، ۵۱ و ۵۳).
- نشانه‌های عفت: اجتناب از اختلاط: (قصص، ۲۳)؛ اجتناب از خودآرایی: (احزاب، ۳۳)؛ اجتناب از روابط نامشروع: (یوسف، ۵۱ - ۵۲)؛ حجاب: (نور، ۶۰)؛ حفظ نگاه: (نور، ۳۰ و ۳۱)؛ حیا: (بقره، ۲۷۳).^۲

اقسام عفت

با توجه به معنای یاد از عفت، باید گفت: عفت دارای اقسامی است که در زیر می‌آید:

۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۸۱.
۲. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۲۰، ص ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۴۴ و ۴۴۵.

۱. عفت در گفتار

خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره احزاب، وظیفه زنان را رعایت عفاف در سخن گفتن با نامحرم بیان می‌فرماید:

فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض وقلن قولاً معروفاً؛

پس به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند.

خضوع در این‌جا به معنای این است که زنان در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیماردل را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند. منظور از بیماردل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد.

و «قولاً معروفاً»، یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به‌دور از کرشمه و ناز باشد و مورد پسند شرع و عرف اسلامی باشد.

این آیه اشاره دارد به کیفیت و محتوای سخن گفتن با ناز و عشوه، و بیانگر آن است که سخن گفتن با نامحرم باید عقیفانه، به‌دور از نرمش و خودنمایی باشد. همچنین اشاره دارد به اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیر ضروری و شهوت‌انگیز، و یادآور می‌شود در صورت عدم رعایت این امر، ممکن است جاذبه‌های زنان و سخنان هوس‌آلودشان، مردانی را که از سلامت روحی و اعتدال نفسانی برخوردار نیستند به گناه و فحشا بکشاند و امنیت جامعه را در معرض خطر قرار دهد.

۲. عفت در نگاه

سوره نور که به سوره عفت، پاک‌دامنی و حجاب معروف است،^۱ به چندین رفتار عقیفانه اشاره می‌کند که یکی از آنها وجوب حفظ و کنترل نگاه‌های چشم است؛ یک بار خطاب به مردان مؤمن می‌فرماید:

قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم؛^۲

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۱.

۲. مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۹.

۳. نور، ۳۰.

به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نامحرم و نگاه‌های هوس‌آلود) فرو گیرند.

سپس خطاب به زنان مؤمن می‌فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛^۱

به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند.

در شأن نزول این آیات آمده است که جوانی در میان راه، زنی را می‌بیند و به او چشم می‌دوزد و به دنبال او به راه می‌افتد؛ طوری غرق نگاه او می‌شود که صورتش به دیوار برخورد می‌کند و زخمی می‌شود. بعد از این حادثه، نزد رسول خدا ﷺ می‌رود و ماجرای خود را نقل می‌کند و این آیات نازل می‌شود.^۲

«یغضض» از ماده «غض» به معنای کاهش و کم کردن نگاه است.^۳ و منظور، چشم‌پوشی از نگاه‌های حرام و غیر ضروری و شهوت‌آلود است. در لزوم عفت، پاک‌دامنی و ترک نگاه حرام، فرقی میان زن و مرد نیست.^۴ بدین ترتیب، همان‌گونه که چشم‌چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «از نگاه‌های زیادی بپرهیزید؛ زیرا تخم هوس می‌پراکند و غفلت می‌زاید».^۵

۳. عفت در شهوت

در آیات یاد شده از سوره نور به لزوم پاک‌دامنی و عفت در شهوت پرداخته و خطاب به مردان و زنان مؤمن به صورت جداگانه می‌فرماید: «وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»؛ «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»؛ [به زنان با ایمان بگو] دامن‌های خود را حفظ کنند.

«فروج» جمع فرج، به معنای شکاف میان دو چیز است که با آن از عورت کنایه آورده‌اند.^۶

۱. همان، ۳۱.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۷۳.

۳. قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۰۵.

۴. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۷۶.

۵. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۸۸، ش ۲۰۲۴۵.

۶. طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

مراد «حفظ فروج» در این آیه به سبب قرین شدن با «یغضضن» و «یغضوا»، پوشاندن آن از نامحرمان است.

در ذیل آیه می‌فرماید: «ذلک ازکی لهم»^۱ یعنی این امر باعث تزکیه و شکوفایی استعدادها و رشد شخصیتی و معنوی آنها می‌شود. در روایت نیز آمده: «النزاهة آية العفة»^۲؛ دوری از آلودگی‌ها نشانه پاک‌دامنی است؛ و «بالعفاف تزکوا الأعمال»^۳ به وسیله عفت، اعمال پاکیزه و مطهر می‌شود. در غیر این صورت، چشم‌چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان خواهد شد. همچنین قرآن درباره کسانی که امکان برای ازدواج نمی‌یابند، می‌فرماید:

ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله؛^۴

و کسانی که وسیله نکاح ندارند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند.

در این باره حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «هرکه پاک‌دامنی و عفت جوید، خداوند او را پاک‌دامن و عقیف می‌گرداند، و هرکه بی‌نیازی طلب کند، خداوند بی‌نیازش می‌کند»^۵. بنابراین، قدرت‌نیافتن برای ازدواج و دست‌رسی نداشتن به همسر، مجوزی برای گناه کردن از راه نامشروع نیست، بلکه صبر و عفت لازم است تا خداوند نیز از فضل خود او را بی‌نیاز کند.^۶

۴. عفت در پوشش

مسئله حجاب و پوشش زن و پنهان کردن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه یاد شده، در چند جای دیگر قرآن نیز به این موضوع اشاره می‌کند و با تعبیرهای گوناگون، زنان را از هتک حرمت خود یا بدحجابی و خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی می‌فرماید؛ چنان‌که در سوره نور می‌فرماید: «ولا یبدین زینتهن إلا ماظهر

۱. نور، ۳۰.

۲. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۰۰۹، ش ۱۳۱۶۱.

۳. همان، ش ۱۳۱۶۲.

۴. نور، ۳۳.

۵. «ومن یتعفف یعفه الله، ومن یتستغین یغنه الله»؛ هرکه پاک‌دامنی و مناعت جوید، خداوند او را پاک‌دامن و با مناعت گرداند و هرکه بی‌نیازی طلبد، خداوند بی‌نیازش گرداند. (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۰۰۷، ش ۱۳۱۳۹).

۶. قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۸۱؛ با اندکی تغییر در عبارات.

منها»^۱. در این آیه زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های - ظاهری و باطنی - خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که به صورت طبیعی نمایان است.

«إبداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است و مراد از زینت زنان، محلّ و موضع زینت است؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دست‌بند حرام نیست، بلکه منظور محلّ زینت است. اما آنچه از زینت‌های ظاهری، پوشاندنش استثنا شده، صورت، دو کف دست و قدم‌هاست.^۲ بنابراین، مقتضای آیه نهی از خودنمایی و آشکار کردن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» توصیه می‌فرماید: «زنان باید سرپوش‌ها و روسری‌های خود را بر گردن انداخته، حایل قرار دهند (تا افزون بر سر، گردن و سینه آنها نیز پوشیده شود)».^۳

«خُمُر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.^۴

بنابر نقل تواریح، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقۀ پیراهن و گریبان‌هایشان باز بود و دور گردن و سینه آنان را نمی‌پوشانید. روسری‌هایی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت سر می‌انداختند (همان طوری که هم‌اکنون میان مردان عرب متداول است) به طوری که گوش‌ها، بناگوش‌ها، گوشواره‌ها، جلوی سینه و گردن آنها نمایان می‌گشت.

از این‌رو، این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌های خود را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیفکنید تا قسمت‌های یادشده پوشیده شود.

آیه دیگری که درباره عفت در پوشش وارد شده، آیه ۵۹ سوره احزاب است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^۵

۱. نور، ۳۱.

۲. طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۳. نور، ۳۱.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۲۹۹.

۵. احزاب، ۵۹.

فضائل اخلاقی: عفت / ۲۵۱

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است، و خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

سبب نزول این آیه آن بود که شب‌هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون می‌رفتند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند و با سخنان ناروا به آنان متعرض می‌شدند.

«جلایب» جمع جلباب، به معنای لباسی است سرتاسری که تمام بدن را بپوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر شود. این پوشش باید به‌گونه‌ای باشد که زیر گلو و سینه‌ها را محفوظ بدارد.^۱

مراد از «ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین» این است که با پوشاندن بدن به صورت کامل به عفاف، حرمت و حریت شناخته می‌شوند و مورد تعرض افراد مریض، مغرض و هوسران قرار نمی‌گیرند. احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاک‌دامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرئت نمی‌کنند به آنان متعرض شوند.^۲

بهترین زنان شما زنی است که هرگاه با شوهرش خلوت کند، زره حیا را برای او از تنش خارج کند و با پوشیدن لباس، زره حیا را نیز بپوشد.^۳

بدین ترتیب، عفت و حیا در برابر شوهر لازم نیست، ولی بر رعایت آن در برابر نامحرم تأکید شده است. این مسئله نشان‌دهنده حکیمانه بودن احکام دین مبین اسلام در راستای استواری نظام خانواده است.

۵. عفت در کردار

یکی از وظایف زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه‌کننده و غیر عقیفانه است:

ولا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن؛^۴

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۵۰۹ - ۵۱۰.

۲. مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۲.

۳. «خیر نساکم التی إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحیاء واذا لبست، لبست معه درع الحیاء» (کلینی، کافی، ج ۵،

ص ۳۲۴ و عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶، ح ۱۰).

۴. نور، ۳۱.

هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌های پنهان آنان دانسته شود، و صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال، دست‌بند و گوشواره به صدا درنیاید.

پس هرگونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود، از نظر اسلام ممنوع است.^۱ و زنان باید عفاف را رعایت کنند و از امور جلب توجه‌کننده پرهیز نمایند و اعمال و رفتارشان و استفاده آنان از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش به‌گونه‌ای نباشد که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها شود. در آیه دیگر خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم را عملی زشت و جاهلانه برشمرده، می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^۲

و... [ای همسران پیامبر!] در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] با آرایش ظاهر نشوید و... .

«تبرّج» به معنای ظاهرشدن با زینت^۳ در برابر مردم است؛ همان‌طور که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت پیش از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در آن عصر، وضعیّت پوشش زنان، عقیفانه نبوده است. گرچه خطاب آیه، زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند، اما طبق نظر مفسران، حکم در آیه عمومیت دارد و شامل همه زنان می‌شود.

بر اساس این آیه، خودآرایی و خودنمایی زنان - که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم، کار نابخردانه‌ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین ننگی بروند، بلکه باید این غریزه طبیعی را در پرتو ایمان و عقّت، کنترل و تعدیل کنند و در جهت مثبت آن (در برابر شوهر) به‌کار گیرند. آنچه از مفاد آیه در مورد جاهلیت نخستین آمده نشان از آن دارد که جاهلیت دیگری مانند جاهلیت پیش از اسلام در پیش است که شاید بتوان آن را با عصر و زمان حاضر منطبق دانست.

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

۲. احزاب، ۳۳.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۵.

فضائل اخلاقی: عفت / ۲۵۳

در تفسیر قمی روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که بعد از جاهلیت نخست، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد^۱ که حاکی از همین جاهلیت مدرن عصر جدید است که مع الأسف مظاهر آن را در جوامع اسلامی نیز می‌توان دید.

از این رو، زنان باید از هرگونه رفتار جلوه‌گرانه و تحریک‌کننده پرهیز کنند و با تأسی از آیه «تمشی علی استحياء»^۲ که شیوه راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می‌کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه زهرا - سلام الله علیها - به شیوه آن حضرت عمل کنند.

آثار عفت در روایات

۱. خودنگه‌داری، از ثمرات عفت است.^۳
۲. پاک‌دامنی موجب می‌شود که وزر و وبال انسان سبک و قدر و منزلتش نزد خدا سنگین و بزرگ باشد.^۴
۳. عفت در تمام اعضا و جوارح، انسان را دارای اوصاف پسندیده می‌کند.^۵
۴. عفاف، اعمال انسان را پاک و پاکیزه می‌کند.^۶
۵. عفت، شهوت را ناتوان می‌کند.^۷
۶. عفت موجب نجات از آتش جهنم است. در حدیث است: بیشترین چیزی که مردم را در آتش فرو می‌برد دو سوراخ است؛ یکی شکم و دیگری فرج.^۸

زمینه‌های بی‌عفتی

۱. بی‌توجهی به تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی، زمینه بروز بی‌عفتی است.^۹

۱. طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۴۷۳، به نقل از: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲. قصص، ۲۵.

۳. ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۴، ص ۲۰۰۸، ش ۱۳۱۵۷.

۴. همان، ش ۱۳۱۵۸.

۵. همان، ش ۱۳۱۵۹.

۶. همان، ص ۲۰۰۹، ش ۱۳۱۶۲.

۷. همان، ش ۱۳۱۵۵.

۸. همان، ش ۱۳۱۴۴.

۹. نور، ۳۲ و ۳۳.

۲. زنان و مردان غیر متأهل، بیش از دیگران، در معرض فحشا و بی‌عفتی قرار دارند.^۱
۳. تقلید کورکورانه کافران از پدرانشان، بهانه‌ای زمینه‌ساز، برای بی‌عفتی آنان است.^۲
۴. خلوت کردن زنان و مردان نامحرم، از زمینه‌های سقوط به ورطه بی‌عفتی است.^۳
۵. دلبستگی به مادیات و دنیاطلبی، زمینه رواج بی‌عفتی در جامعه است.^۴
۶. نفس اماره از زمینه‌های ارتکاب بی‌عفتی است.^۵
۷. وسوسه‌های شیطانی و پیروی از آنها، زمینه ورود در ورطه بی‌عفتی است.^۶

حکایت

۱. مرد نایینا

درباره غیرت و عفت ناموسی پیامبر صلی الله علیه و آله سخن بسیار است؛ از جمله این‌که: امّ سلمه - یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله - می‌گوید: در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، یکی از همسرانش به نام میمونه نیز حاضر بود. در این هنگام ابن امّ مکتوم که نایینا بود به آن‌جا آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به ما فرمود: «حجاب خود را در برابر ابن امّ مکتوم رعایت کنید». پرسیدم: مگر او نایینا نیست، بنابراین حجاب ما چه معنا دارد؟
فرمود: «آیا شما نایینا هستید؟ آیا شما او را نمی‌بینید».^۷

۲. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: روزی مرد نایینایی با اجازه قبلی، به خانه فاطمه زهرا علیها السلام آمد، حضرت زهرا علیها السلام خود را پوشانید، پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن‌جا حاضر بود پرسید: «با این‌که این مرد ناییناست، چرا خود را پوشاندی؟» حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «اگر او مرا نمی‌بیند، من او را

۱. نور، ۳۳.

۲. اعراف، ۲۸.

۳. یوسف، ۲۳.

۴. نور، ۳۲.

۵. یوسف، ۵۱ - ۵۳.

۶. نور، ۲۱.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۷.

می‌بینم، وانگهی او بو را استشمام می‌کند». رسول خدا ﷺ به نشانه تصدیق سخن و عمل فاطمه علیها السلام فرمود: «گواهی می‌دهم که تو پاره وجود من هستی».^۱

۲. عفت زبان

امام صادق علیها السلام دوستی داشت که همواره با هم بودند، روزی همین دوست به غلامی تندی کرد و با کمال گستاخی حریم عفت او را شکست و گفت: «ای زنازاده! کجا بودی؟» هنگامی که امام علیها السلام این سخن خلاف عفت او را شنید، به شدت ناراحت شد؛ به طوری که دستش را بلند کرد و محکم بر پیشانی خود زد و فرمود: «سبحان الله، آیا به مادر غلام، نسبت ناروا می‌دهی؟ من تو را آدم پرهیزکاری می‌دانستم، ولی اکنون می‌بینم پرهیزکار نیستی». دوست امام عرض کرد: فدایت گردم! مادر این غلام، از اهالی سبند (از سرزمین هند) است و بت پرست می‌باشد (بنابراین، ناسزا به او اشکال ندارد)، امام صادق علیها السلام فرمود: «آیا نمی‌دانی که هر امتی، میان خود قانونی برای ازدواج دارد؟ از من دور شو!».

از آن هنگام میان امام صادق علیها السلام و دوستش جدایی افتاد و تا پایان عمر امام(ع)، این جدایی ادامه یافت.^۲

این ماجرا نیز ما را به عفت زبان و کنترل آن از هرزه‌گویی و گفتار خلاف عفت دعوت می‌کند و حاکی از آن است که مسئله حفظ عفت جامعه، حتی نسبت به بیگانگان نیز بسیار مهم است و باید مرزهای آن را شناخت و در حفظ آن کوشا بود.

۳. خوف خدا موجب حریم عفت

روزی امام حسن علیها السلام به نماز ایستاده بود، در این هنگام زن زیبایی که شیفته جمال آن حضرت شده بود، نزد آن حضرت آمد و با عشوه خاصی نزد وی ایستاد. امام علیها السلام نماز را کوتاه کرد و فرمود: «چه کار داری؟» گفت: برخیز و از من کام بگیر؛ زیرا من شوهر ندارم و نزد شما آمده‌ام... امام حسن علیها السلام چند بار به او فرمود: «از من دور شو»، ولی او همچنان (چون زلیخا نسبت به یوسف) اصرار و سماجت می‌کرد. در این هنگام امام علیها السلام از ترس خدا گریست و مکرر به او می‌فرمود: «از من دور شو». و گریه‌اش شدیدتر می‌شد، به طوری که آن زن نیز منقلب شده،

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۷.

۲. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۱.

گریه کرد. در این وقت امام حسین علیه السلام آمد، او نیز منقلب شده، گریه کرد. بعضی از اصحاب آمدند و آنها نیز به گریه افتادند. آن زن در حال گریه از آن جا دور شد و حاضران پراکنده شدند.

امام حسین علیه السلام به احترام برادر، راز حادثه را از امام حسن علیه السلام پرسید، تا این که پس از مدتی امام حسن علیه السلام خوابی دید، پس از بیدار شدن گریه کرد، امام حسین علیه السلام علت گریه را پرسید، امام حسن علیه السلام فرمود: «امشب در عالم خواب، حضرت یوسف علیه السلام را دیدم که در میان جمعیت به من نگاه کرد و من بی‌اختیار گریستم، پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ گفتم: برای آن همه رنج‌ها که از همسر عزیز مصر کشیدی، و زندانی شدی و پدرت یعقوب به فراق تو گرفتار شد. یوسف علیه السلام به من گفت: آیا تو از آمدن زن بیابانی، و خودداری خود از او و گریهات، تعجب نکردی.^۱

یعنی ای یوسف فاطمه(ع)! تو نیز مانند من گرفتار شدی، ولی از ترس خدا، حریم عفاف را حفظ کردی، و با گریه‌ها و تحمل رنج‌ها از هرگونه شوائب رهایی یافتی.

شعر

سادگی و پاکی و پرهیز یک یک گوهرند	گوهر تابنده تنها گوهر کافی نبود
عیب‌ها را جامه پرهیز پوشانده است و بس	جامه عجب و هوا بهتر ز عریانی نبود
زن سبکساری نبیند تا گرانسنگ است و بس	پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
زن چون گنجور است و عفت گنج و حرص و آرزو	وای اگر آگه از آیین نگرهبانی نبود
اهرم بر سفره تقوا نمی‌شد میهمان	زان که می‌دانست کآن جا جای مهمانی نبود
پا به راه راست باید داشت کاندرا راه کج	توشه‌ای و رهنوردی جز پشیمانی نبود
چشم و دل را برده می‌بایست اما از عفاف	چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود ^۲

۱. مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۰.

۲. اعتصامی، دیوان پروین، ص ۱۰۸.